

# شخصیت، افکار و آثار دکتر محمود احمد غازی

محمد شهنوازی فر

ادبیات عرب در این دانشگاه پی گرفت. پس از اخذ دکترا، جذب اداره تحقیقات اسلامی (Central Institute for Islamic Research) شد.

این مرکز در دوره ریاست جمهوری ژنرال ایوب خان و برای تدوین سیاست‌های راهبردی در راستای تطبیق سیاست‌های دینی دولت با اصول و معیارهای اسلامی، البته با رویکردی تجددگرایانه، تأسیس شده بود و چندین سال مدیریت آن برعهده دکتر فضل‌الرحمان<sup>(۱)</sup> بود. اداره تحقیقات اسلامی ابتدا به عنوان یک نهاد مستقل زیر نظر نهاد ریاست جمهوری فعالیت می‌کرد، اما با تأسیس دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد در سال ۱۹۸۰، این مرکز زیرمجموعه این دانشگاه قرار گرفت. در این دوره ریاست اداره تحقیقات اسلامی برعهده دکتر عبدالواحد هالی پوتا بود و دکتر محمود احمد غازی یکی از پژوهشگران برجسته آن به‌شمار می‌آمد، و البته در رویکرد این مرکز نیز تحولاتی آمده بود. با پیوستن دکتر غازی به دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد، وی نقشی اساسی در برنامه‌ریزی‌های این دانشگاه و شکل‌گیری شعبه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی آن ایفا کرد.

ایشان چند سال ریاست آکادمی دعوت، سپس ریاست آکادمی شریعت دانشگاه را برعهده گرفت و پس از آن به مدت ۸ سال نایب‌رئیس دانشگاه شد و سرانجام به ریاست دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد رسید و در یک دوره چهارساله خدمات شایانی را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های آن انجام داد.

دکتر غازی علاوه بر زبان اردو، به چند زبان دیگر نیز تسلط داشت از جمله «عربی»، «فارسی»، «انگلیسی»، «فرانسوی»، و با زبان «آلمانی» و «اسپانیایی» نیز آشنا بود.

کاندهله در ایالت اوتیرادش (یویی) هند به دنیا آمد. از طرف پدر از خاندان فاروقی تهانه‌بُون، و از طرف مادر از خاندان صدیقی کانهله و نوه شیخ‌الحدیث مولانا محمد ادريس کانهله و مؤلف کتاب «التعلیق الصبیح» و تفسیر کلامی «معارف القرآن» بود. پدرش حافظ محمد احمد فاروقی، در سال ۱۹۵۴، هفت سال پس از استقلال پاکستان، به این کشور مهاجرت کرد و در شهر کراچی اقامت گزید. محمود احمد غازی در کودکی به حفظ قرآن مجید پرداخت و تحصیل علوم دینی را از جامعه‌العلوم الاسلامیه بنوری تاون کراچی آغاز کرد. پس از چند سال، خانواده غازی از کراچی به اسلام‌آباد نقل مکان کرد و وی برای ادامه تحصیل به مدرسه تعلیم القرآن راولپندی به مدیریت شیخ القرآن مولانا غلام‌الله خان پیوست و از همین مدرسه دانش آموخته علوم دینی شد. محمود احمد غازی ۱۷ ساله بود که کار تدریس را از مدرسه فرمانیه راولپندی آغاز کرد و سپس به کارش در مدرسه ملیه ادامه داد. در همین دوران در آزمون لیسانس اسلامیات (الهیات و معارف اسلامی) وزارت علوم شرکت کرد و با موفقیت این آزمون را پشت سر گذاشت. سپس برای ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس به دانشگاه پنجاب در لاهور پیوست و تحصیلاتش را تا مقطع دکترا در رشته

در شرایط کنونی حاکم بر جهان و درحالی که تیرهای فتنه از سوی دشمنان حق و حقیقت هر روز اسلام و مسلمانان را هدف می‌گیرند، ضرورت وجود علما و دانشمندان راستینی که از منبع فیاض شریعت ناب محمدی بهره‌ وافر برده‌اند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این شرایط همچنین موجب شده است فقدان چنین شخصیت‌هایی، ضایعه‌ای بس بزرگ و سنگین برای جامعه اسلامی تلقی شود؛ چه آنان مدافعان سنگر حق در برابر هجوم بی‌امان ابلیس و ابلیسیان زمان به حساب می‌آیند و حقا که خلأ وجودشان را با هیچ چیزی نمی‌توان پر کرد. بی‌تردید تمام آنانی که یکشنبه چهارم مهرماه سال جاری برابر با ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۰، با شنیدن خبر غیرمنتظره وفات «دکتر محمود احمد غازی» اشک در چشمانشان حلقه زد و غم سراسر وجودشان را فراگرفت، از همین منظر به این اتفاق غم‌انگیز می‌نگریستند. آنان خود را در فراق شخصیتی می‌دیدند که تمام وجودش را صرف نشر و اشاعه فرهنگ و دانش اسلامی و دفاع از کیان دین اسلام و تاریخ پرافتخار آن کرد و در این عرصه‌ها حماسه‌ساز شد. «إنا لله و إنا الیه راجعون».

محمود احمد غازی در ۱۸ سپتامبر ۱۹۵۰ م. در خانواده‌ای علمی و اهل فضل در روستای

## جایگاه علمی ایشان

برای بیان جایگاه بلند علمی ایشان همین بس که ایشان یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای بود که علامه سید سلیمان ندوی (۱۸۸۲-۱۹۵۳) با «خطبات مدراس» آن را آغاز کرد، سپس علامه اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸) با مجموعه سخنرانی‌های علمی‌اش با عنوان «احیای فکر دینی در اسلام» و دکتر محمدحمیدالله (۱۹۰۸-۲۰۰۲) با «خطبات بهاولپور» آن را ادامه دادند، و پس از وفات دکتر حمیدالله، دکتر محموداحمد غازی این سلسله را پی گرفت که نتیجه آن مجموعه‌ای با نام‌های «محاضرات قرآنی»، «محاضرات حدیث»، «محاضرات فقه»، «محاضرات شریعت»، «محاضرات سیرت» و «محاضرات معیشت و تجارت» شد و قرار بود این مجموعه تا دوازده جلد ادامه یابد که اجل بیش از این به ایشان مهلت نداد. جالب است که محرک اول شکل‌گیری این مجموعه محاضرات، خواهر گرامی ایشان مرحومه عذرا نسیم فاروقی بود که خود نیز شخصیتی عالم و فرهیخته بود.

دکتر غازی شخصیتی بلندنظر و نمونه‌ای از سلف صالح بود. با وجود اعتراف به خدمات اسلاف به کارهای علمی و فکری معاصرین نیز ارج می‌نهاد. ایشان دکتر حمیدالله را مجدد علوم سیرت در قرن بیستم می‌دانست، و کتاب مشهور ایشان در سیرت پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وسلم- را مستقیماً از فرانسوی به انگلیسی ترجمه کرد. و در مورد دکتر فؤاد سزگین آلمانی ترک‌تبار<sup>(۱)</sup> و کتاب‌شناس نامدار معاصر و نویسنده کتاب گران سنگ «تاریخ التراث العربی فی علوم القرآن و الحدیث» می‌گفت: اگر به من بگویند سه تن از شخصیت‌های برجسته امروز جهان را نام ببر، فؤاد سزگین در رأس آنهاست.

در سال ۲۰۰۲م. که «سال علامه اقبال» نام‌گذاری شده بود، پژوهش‌های بسیاری با موضوع اقبال‌شناسی صورت گرفت و به آکادمی اقبال رسید، یکی از بهترین این پژوهش‌ها اثر دکتر غازی با عنوان «محکّمات عالم قرآنی [از دیدگاه علامه اقبال]» بود که به عنوان تحقیق برتر شناخته شد. وی در مورد علامه اقبال می‌گفت: «از میان اندیشمندان و پژوهشگرانی که در قرن بیستم برای احیای فکر دینی در پرتو جهان‌بینی قرآنی به تحقیق و پژوهش پرداختند، نام حکیم‌الامت علامه اقبال از همه برجسته‌تر است.»

دکتر غازی به اندیشمند برجسته جهان

اسلام علامه سید ابوالحسن علی ندوی نیز ارادتی ویژه داشت. در اکتوبر ۱۹۹۷ سازمان بین‌المللی «رابطة الأَدب الإسلامي» کنفرانسی باموضوع «سفرنامه‌های جدیدحرمین شریفین» در لاهور برگزار کرد که مهمان ویژه آن علامه سید ابوالحسن ندوی بود. دکتر غازی نیز یکی از مهمانان این کنفرانس بود و مقاله‌ای در آن ارائه کرد و در تقدیر از تلاش‌های علامه ندوی در عرصه ادبیات عربی و اسلامی اظهار داشت: اگر در هندوستان و پاکستان کسی به زبان عربی می‌نویسد یا حرف می‌زند، بدون شک از شاگردان حضرت سید ندوی است و یا از کتاب‌ها و آثار ایشان استفاده کرده است.

دکتر غازی نه تنها در جهان اسلام شخصیت علمی برجسته‌ای بود، بلکه در محافل تحقیقاتی جهان غرب نیز در حوزه اسلام‌شناسی چهره‌ای شناخته‌شده بود و همواره از سوی مراکز پژوهشی غربی به کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلفی دعوت می‌شد.

## دغدغه ایجاد تحول در نظام آموزشی

## مدارس دینی

این یک حقیقت انکارناپذیر است که نظام آموزشی مدارس دینی و حوزه‌های علمیه همچون هر نظام آموزشی دیگری به تغییر و تحول نیازمند است تا با نیازهای روز جهان اسلام هماهنگ باشد، چنان‌که این امر یکی از دغدغه‌های همیشگی اندیشمندان و علمای جهان اسلام بوده است.

دکتر عزیزالرحمن در مورد دیدگاه‌های دکتر غازی در مورد نظام آموزشی مدارس دینی می‌گوید: نظریات ایشان در مورد نظام آموزشی، از نظریات دیگران از دو جهت حائز اهمیت است: اول این‌که اظهارنظر و تجزیه و تحلیل ایشان در مورد نظام آموزشی بسیار دقیق و با نهایت احتیاط است. ایشان بدون این‌که کوشش‌های اسلاف و گذشتگان را زیرسؤال ببرد، نظام آموزشی گذشته را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد تا مشعل راه آیندگان باشد. دوم این‌که ایشان نه تنها بر علوم قدیم و جدید تسلط کامل داشت و دانش‌آموخته هر دو این نظام‌های آموزشی بود، بلکه سال‌ها هم در مدارس دینی و هم در دانشگاه‌ها به تدریس اشتغال داشت و به تحقیق و مطالعه در زمینه نظام‌های آموزشی می‌پرداخت.

مولانا زاهد الراشدی، مدیر آکادمی الشریعه گوجرانواله پاکستان، می‌گوید: نظریات دکتر غازی در مورد نظام آموزشی مدارس دینی

برای نسل جدید و قدیم مدارس دینی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و واجد استدلال‌های منطقی و قوی است و در حوزه‌های مختلف آموزشی و تربیتی کارایی دارد. در سخنرانی‌های ایشان در مورد نظام آموزشی مدارس دینی، مباحث مهم و حساسی مطرح شده است که توجه جدی مدیران مدارس دینی و مسئولان آموزشی را می‌طلبد.

ایشان سخنرانی‌های خود را در این زمینه از سال ۱۹۹۰ شروع کرد و اولین سخنرانی را با عنوان «هماهنگی بین نظام آموزشی جدید و قدیم» در اجتماع جمعیت طلبه عربیه پاکستان ایراد کرد. سپس در همان سال در کنگره آموزش اسلامی پاکستان که در لاهور برگزار شد، در موضوع «نیازهای آموزشی پاکستان در قرن بیست و یکم» سخنرانی کرد. سخنرانی بعدی را با عنوان «عصر حاضر و نظام آموزشی مسلمانان» در اداره خیرالمعارف ملتان ارائه کرد. سپس در سال ۲۰۰۰ در مؤسسه مطالعات سیاسی اسلام در اسلام‌آباد سخنرانی‌ای را با عنوان «مدارس دینی واقعیت‌ها و برنامه عمل» ایراد کرد. سخنرانی بعدی ایشان در «سیمنا تدریس علوم اجتماعی در مدارس دینی، اهمیت و ضرورت» در سال ۲۰۰۵ در آکادمی الشریعه گوجرانواله با عنوان «آموزش عالی و تخصص در مدارس دینی» ارائه شد. ایشان در این سخنرانی تأکید کرد که جامعه امروزی از مدارس دینی سه انتظار دارد که باید برآورده شود:

۱. تربیت امام جماعت برای مساجد که به اقامه مهم‌ترین رکن دین یعنی نماز مربوط است. برای تربیت چنین افرادی، ابتدا داشتن مدرک سیکل الزامی شود. سپس این افراد به حفظ کامل قرآن پردازند. پس از فراغت از حفظ قرآن، طی یک برنامه آموزشی سه‌ساله، ابتدا زبان عربی به آنان آموزش داده شود تا توانایی استفاده از کتاب‌های عربی و دینی را پیدا کنند. سپس یک تفسیر آسان عربی، یکی دو کتاب حدیث مانند مشکاة المصابیح و معارف الحدیث یا کتابی دیگر، یکی دو کتاب فقهی و کتابی در مورد معاملات و مسائل اقتصادی جدید نیز تدریس شود. در ضمن آیین سخنرانی و تجوید قرآن مجید به طور جدی به این افراد آموزش داده شود. پس از تکمیل این دوره سه‌ساله این افراد صلاحیت برعهده گرفتن امامت جماعت و اقامه نماز در مساجد را پیدا می‌کنند و لزومی ندارد بیش از این در مدارس دینی تحصیل کنند؛

۲. تربیت مدرّس و استاد برای تعلیم معارف اسلامی در مدارس دولتی تا پایان دوره متوسطه.

- (نظام آموزشی دینی و عصری مسلمانان)،  
 ۱۲. اسلامی بنکاری ایک تعارف (درآمدی بر بانکداری اسلامی)،  
 ۱۳. ادب القاضی،  
 ۱۴. قرآن مجید ایک تعارف (مقدمه‌ای بر مطالعه قرآن مجید)،  
 ۱۵. محکّمات عالم قرآنی - از دیدگاه علامه اقبال -،  
 ۱۶. حرمت ربا اور غیر سودی مالیاتی نظام،  
 ۱۷. محاضرات قرآنی،  
 ۱۸. محاضرات حدیث،  
 ۱۹. محاضرات فقه،  
 ۲۰. محاضرات شریعت،  
 ۲۱. محاضرات معیشت و تجارت،  
 ۲۲. محاضرات سیرت،  
 ۲۳. اصول الفقه،  
 ۲۴. نهضت اسلامی در جنوب آسیا، نقش شاه ولی الله دهلوی و خلفای ایشان (انگلیسی)،  
 ۲۵. زندگانی پیامبر اسلام (انگلیسی).

#### دیدار با معبود محبوب

شاید آن‌گاه که استاد دکتر احمد محمد جاد، رئیس سابق بخش فلسفه و کلام دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد، پس از استماع سخنرانی دکتر محمود احمد غازی در دانشکده اصول‌الدین، به وجد آمد و در مورد ایشان گفت: «وجدنا استاذاً کثراً قد فقهنا/ استادی را یافتیم که گم‌شده ما بود»، هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که امت اسلامی خیلی زود ناچار به تحمل درد فراق این استاد بزرگوار خواهد شد؛ اما این اتفاق افتاد و دکتر محمود احمد غازی خیلی زود در سن شصت سالگی (یکشنبه چهارم مهرماه ۸۹ برابر با ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۰) دعوت حق را لبیک گفت و به دیدار معبود محبوب خویش شتافت. پیکر این عالم و اندیشمند فرزانه پس از تشییع باشکوه و ادای نماز جنازه به امامت مولانا احمد تھانوی، مدیر دارالعلوم اسلامیة لاهور، در اسلام‌آباد به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد. «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ وَ لَهُ مَا أَعْطَى وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ وَ إِنَّا بِفِرَاقِكَ يَا شَيْخِنَا لَمَحْزُونُونَ وَ لَا نَقُولُ إِلَّا مَا يَرْضَى رَبَّنَا. إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

#### پی‌نوشت‌ها:

- دکتر فضل‌الرحمان در سال ۱۹۱۹م. در پنجاب هند متولد شد. او فرزند مولانا شهاب‌الدین دانش‌آموخته دارالعلوم دیوبند بود و مبادی علوم اسلامی را در زمینه تفسیر، حدیث، فقه، کلام، و فلسفه از محضر پدرش آموخت. فضل‌الرحمان بخشی از تحصیلاتش را در مقطع لیسانس و

آن موضوعی است وابسته به وضع حال و آینده امت اسلامی که اتخاذ سیاست‌های بلندمدت را می‌طلبد.

تا وقتی که تجار و بازرگانان مسلمان مطابق اصول اسلامی تعهدات تجاری خود را انجام می‌دادند، بدون تردید تجارت و قدرت در دست آنها قرار داشت. به همین علت مسلمانان باید مسئولیت خود را در قبال تجارت و اقتصاد درک کنند؛ زیرا بدون درک این موضوع، قدرت نظامی و دفاعی مستحکم نخواهند داشت. در گذشته چون تجارت و اقتصاد در دست مسلمانان بود، قدرت نظامی و دفاعیشان نیز خیلی مستحکم بود؛ اما بعداً هر دو را از دست دادند. تجار و بازرگانان مسلمان باید در تجارت اصول اسلامی را مدنظر قرار دهند و آن را در سطح بین‌المللی گسترش دهند و این مسئولیتی است که برعهده آنهاست و از آنها در این مورد سؤال خواهد شد. قرآن کریم دستور داده است تا جایی که می‌توانید تجارت مشروع و جایز را گسترش دهید و درآمدها را در مصارف مشروع خرج کنید. راکد گذاشتن پول و سرمایه از دیدگاه شریعت جایز نیست. قرآن کریم گردش سرمایه را مثل گردش خون در بدن انسان مهم می‌داند. اگر خون در بخشی از بدن متوقف شود، آن بخش فلج می‌شود؛ همین‌طور اگر سرمایه راکد و متوقف شود و از گردش بیفتد، فایده آن نه به صاحب آن و نه به دیگران می‌رسد، و به همین علت راکد گذاشتن سرمایه از نظر اسلام امر ناپسندی است.

#### آثار و تألیفات

- دکتر محمود احمد غازی دارای آثار مکتوب متعددی به زبان‌های مختلف است که در این نوشتار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:
- تحقیق «السیر الصغیر» امام محمد بن حسن شیبانی - رحمه‌الله -،
  - القرآن الکریم المعجزة الإلهیة الکبری،
  - یا أم الشرق (ترجمه عربی دیوان فارسی علامه محمد اقبال لاهوری)،
  - تاریخ الحركة المجددیة،
  - العولمة،
  - فلسفة القانون الإسلامی،
  - الإسلام والغرب،
  - محاضرات فی الإقتصاد والتجارة،
  - قانون بین‌الممالک (قانون بین‌الملل)،
  - اسلام اور مغرب تعلقات (روابط اسلام و غرب)،
  - مسلمانوں کا دینی و عصری نظام تعلیم

ایشان ضمن بیان مثالی از نظام آموزشی پاکستان می‌گوید: در مدارس پاکستان تا مقطع دیپلم تدریس معارف اسلامی الزامی است، و دو گروه معارف اسلامی را در این مقطع تدریس می‌کنند: ۱- دانش‌آموختگان مدارس دولتی؛ ۲- دانش‌آموختگان مدارس دینی. دانش‌آموختگان مدارس دولتی با اخذ مدرک لیسانس و یا فوق‌لیسانس استخدام می‌شوند این در حالی است که آنها از نظر تعلیمات دینی در فقر کامل به سر می‌برند. بعضی از آنها حتی خواندن قرآن را نیز بلد نیستند و همین افراد معارف اسلامی را در مدارس تدریس می‌کنند! و عده‌ای از آنها داعیه اجتهاد دارند و در مسائل مختلف دینی به اظهار نظر می‌پردازند که این خود معضلی است بزرگ. و اما دانش‌آموختگان مدارس دینی که کتاب‌های غیر کاربردی چون میبذی و شرح عقائد نسفی را خوانده‌اند در حالی که این کتاب‌ها هیچ کاربرد مفیدی در این عصر ندارند. لذا باید سه سال دیگر به برنامه درسی گذشته افزود تا بتوان به وسیله آن برای مدارس دولتی مدرّس معارف اسلامی تربیت کرد؛

۳. تربیت مدرّسین و اساتید متخصص در علوم دینی که بتوانند ضروریات و نیازهای مدارس دینی را بر طرف کنند. این عده باید در علوم مثل تفسیر، حدیث، فقه و غیره از تخصص بالایی برخوردار باشند تا بتوانند جوابگوی نیازهای مدارس علمیه و جامعه باشند و برای این منظور باید چند سال دیگر بر شش سال گذشته افزوده شود.

تربیت این سه گروه، برای رفع نیازهای عمومی جامعه اسلامی است؛ اما یک نیاز و ضرورت مبرم دیگر وجود دارد و آن تربیت گروهی است که توان رویارویی با اندیشه‌ها و مکاتب انحرافی و تهاجم فکری و فرهنگی جهان غرب را داشته باشد و بتواند به نقد و بررسی آنها بپردازد و نقاط ضعف و قوت آنها را مشخص کند.

#### اهمیت تجارت و اقتصاد

ایشان در کنفرانسی که در اتاق بازرگانی کراچی زیر نظر «جامعه الرشید» برگزار شده بود، گفت: تجارت و اقتصاد همچون ستون فقرات برای استقرار خلافت و دولت اسلامی است. تا وقتی که نبض تجارت بین‌المللی در دست مسلمانان بود، آنان با تمام قوا اعم از نیروهای زمینی و دریایی پاسدار آن بودند؛ زیرا بین تجارت و قدرت نظامی ارتباط خاصی هست. پس اولویت دادن به تجارت و اهمیت دادن به اصول

# عروج

فوق‌لیسانس در رشته ادبیات عرب در دانشگاه پنجاب گذراند، سپس برای اخذ دکترا به دانشگاه آکسفورد انگلستان رفت و رساله دکترایش را درباره فلسفه ابن‌سینا نوشت. وی پس از اتمام تحصیل در آکسفورد به دانشگاه دورهام انگلستان رفت و از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۸ به تدریس فلسفه اسلامی در این دانشگاه پرداخت. پس از آن به مدت سه سال در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا حضور پیدا کرد و به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. در سال ۱۹۶۱ دکتر فضل‌الرحمان به دعوت ژنرال ایوب‌خان به پاکستان آمد و تا سال ۱۹۶۸ ریاست اداره تحقیقات اسلامی پاکستان را برعهده گرفت. دوره ریاست فضل‌الرحمان بر این مرکز با توجه به رویکرد تجددگرایانه‌اش و همچنین اصلاحات دینی‌ای که دولت ایوب‌خان با محوریت این مرکز دنبال می‌کرد، باعث شکل‌گیری واکنش‌هایی از سوی محافل دینی و فکری سنتی پاکستان شد و حساسیت زیادی را نسبت به شخص دکتر فضل‌الرحمان برانگیخت. وی سرانجام در سال ۱۹۶۸ از ریاست این مرکز کناره‌گیری کرد و به آمریکا رفت و در سال ۱۹۶۹ کرسی استادی مطالعات اسلامی در دانشگاه شیکاگو را احراز کرد و تا وفاتش - تابستان ۱۹۸۸ - در آنجا ماندگار شد.

دکتر فضل‌الرحمان از اندیشمندان تجددگرا و پرکار بود و تألیفات متعددی اعم از کتاب و مقاله دارد که در آنها به موضوعات متنوعی پرداخته است. فلسفه، تاریخ، فقه، حقوق، اقتصاد، سیاست، پژوهش‌های قرآنی، رابطه اسلام و ادیان دیگر و نهایتاً مدرنیسم و اصلاح‌طلبی اسلامی از جمله این موضوعات است که هر یک به نحوی دل‌مشغولی و دغدغه فکری وی بوده‌اند.

برخی آثار دکتر فضل‌الرحمان عبارتند از:

۱. وحی در اسلام: فلسفه و سنت (Prophecy in Islam: Philosophy and Orthodoxy).
۲. روش‌شناسی اسلامی در تاریخ (Islamic Methodology in History).
۳. اسلام (Islam).
۴. مضامین اساسی در قرآن (Major Themes of Quran).
۵. اسلام و مدرنیته: تحول در سنت فکری (Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition).
۶. احیاء و اصلاح در اسلام: پژوهشی درباره بنیادگرایی اسلامی (Revival and Reform in Islam: A Study of Islamic).
۷. طب و بهداشت در سنت اسلامی: تحول و هویت (Health and medicine in the Islamic tradition: change and identity).

۸. پاکستان و مسائل آن (این کتاب مشتمل بر این مقالات است: ۱. پیاده‌سازی مفهوم اسلامی حکومت در شرایط اجتماعی پاکستان، ۲. برخی بازتاب‌های بازسازی جامعه اسلامی در پاکستان، ۳. راه‌حل قرآنی مسئله آموزش در پاکستان، ۴. جریان‌های اندیشه دینی در پاکستان، ۵. اسلام و مسئله قانون اساسی پاکستان، ۶. تجربه ایدئولوژیک پاکستان، ۷. اسلام و قانون اساسی جدید پاکستان، ۸. اقبال، دوراندیش؛ جناح، فناور؛ و پاکستان، واقعیت، ۹. برخی مسائل اسلامی در دوره ایوب‌خان، ۱۰. اسلام در پاکستان.) (منبع: فصلنامه فرهنگی - مدرسه، شماره چهارم، مهر ۱۳۸۵)

۲. دکتر محمدفؤاد سزگین به سال ۱۳۴۳ هـ.ش / ۱۹۲۴ م. در استانبول متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را همان‌جا آغاز کرد و پس از اتمام دوره دبیرستان وارد دانشکده هندسه استانبول شد. بعد از مدتی آنجا را باب میل علمی خویش نیافت و پس از اندک زمانی به جهت علاقه و ارتباطی که با مؤسسات شرق‌شناسی ترکیه داشت، دانشکده هندسه را به قصد تحصیل در مؤسسه شرق‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول - که در آن سال‌ها ریاست آن برعهده شرق‌شناس معروف، هلمونت ریتز، بود - رها و به ادامه تحصیل در آنجا پرداخت. سزگین با تلاش مستمر خود توانست در سن بیست‌وسه سالگی (۱۹۴۷) مدرک کارشناسی‌اشد خود را در رشته مطالعات شرق‌شناسی دریافت کند و به دنبال آن در سال ۱۹۵۰، دکترای خویش را در رشته «علوم اسلامی - پژوهش‌های ایرانی و فلسفه» به پایان رسانید. مدت‌ها در گروه پژوهش‌های اسلامی دانشگاه استانبول به فعالیت علمی - پژوهشی پرداخت و از آغاز تحصیل در مؤسسه شرق‌شناسی با هلمونت ریتز روابط دوستانه و صمیمی برقرار کرد و از راهنمایی و تجربه‌های او بهره‌ها برد و تجربه‌ها اندوخت. این پژوهشگر ترک بنا به مسائل سیاسی در سال ۱۹۶۰، مؤسسه پژوهشی خود را در ترکیه رها و به آلمان مهاجرت کرد و کرسی تدریس در رشته تاریخ علوم طبیعی و علوم عربی - اسلامی دانشگاه فرانکفورت را به دست گرفت. او هم‌اکنون چندین دهه است که در آنجا به تدریس و تحقیق اشتغال دارد. سزگین جهت گسترش تحقیقات تاریخ علوم اسلامی و تداوم طرح‌های پژوهشی در این حوزه و نیز تربیت پژوهندگان جوان و استفاده بیشتر از محققان در سال ۱۹۸۲، مؤسسه تاریخ علوم عربی و اسلامی را در دانشگاه فرانکفورت تأسیس و کتابخانه ۱۶ هزار جلدی و جویز دریافتی‌اش را وقف آنجا نمود. این مؤسسه سالانه مجله تحقیقی «تاریخ علوم عربی و اسلامی» را منتشر می‌کند. سزگین به هنگامه تحقیق «مجاز القرآن» اثر ابی‌عبیده معمر بن المثنی الثیمی (ت ۲۱۰ هجری) با امین الخولی ادیب سرشناس و معروف مصری در استانبول دیدار کرد و مراداتی علمی صورت داد و امین الخولی هم بعد از مطالعه جلد نخست «مجاز القرآن» به همراه تحقیقات سزگین با نگارش دیباچه‌ای تلاش سزگین را به جهت انجام این تحقیق می‌ستاید و از او به عنوان پژوهنده‌ای توانمند در حوزه تحقیقات عربی - اسلامی یاد می‌کند و اسلوب پژوهشی سزگین را آگاهانه و همسو با اصول صحیح این دانش برمی‌شمرد و از پژوهش سزگین در یافتن مصادر صحیح بخاری در این اثر بسی فرحناک و در پاره‌ای از موارد کار سزگین را در «مجاز القرآن» از نقش یک پژوهشگر فراتر دانسته و از اشارات دقیق سزگین در تصحیح اشتباهات ابوعبیده و عبارات کتاب او یاد می‌کند.

«تاریخ التراث العربی فی علوم القرآن و الحدیث» پژوهشی ژرف و دامن‌گستر است که فؤاد سزگین آن را پیرامون نگاشته‌های عربی - اسلامی از بدایت قرن نخست تا آخر چهارم هجری قمری سامان داده و با گستره و جامعیتی مناسب، توانسته در پاره‌ای از دانش‌های اسلامی تحقیقات و دستاوردهای شایان توجهی به حوزه پژوهش به‌ویژه تاریخ‌شناسی علوم اسلامی و تراث پژوهی عرضه بدارد و کاستی‌هایی را جبران کند. (منبع: [www.shareh.com/persian/magazine/ayeneh](http://www.shareh.com/persian/magazine/ayeneh))

دکتر محموداحمد غازی بدورد حیات گفت. یک زندگی هدفمند و سرشار از معنا به پایان خود رسید. سال‌ها پیش یکی از دوستان صمیمی دکتر غازی در مورد وی به من گفت: «من امتزاج و به‌هم‌آمیختگی علم و تقوا را در وجود یک شخصیت، آن‌گونه‌که در وجود دکتر غازی متجلی است، بسیار کم دیده‌ام». این گواهی کسی است که من به علم و تقوای خود وی نیز باور عمیق دارم. یقیناً این گواهی را فرشتگان نیز ثبت کرده‌اند و ان‌شاءالله که بارگاه الهی باعث رفع درجات ایشان شود.

من با اطمینان می‌توانم بگویم که در جامعه ما در حال حاضر شاید کسی نباشد که بتواند جای خالی دکتر غازی را پر کند. دکتر غازی از آن دسته از شخصیت‌هایی بود که علوم قدیم و جدید در وجودشان امتزاج یافته بود، گرچه تمایل و گرایش‌ها اندیشه‌های ایشان میراث‌غنی و پرگستره گذشته بود و این بیانگر احتیاط بالای ایشان بود. وی در طرح اندیشه‌های اسلامی و مسائل دینی رأی را ترجیح می‌داد که عموماً به رأی سلف نزدیک‌تر بود، و این رویکرد محتاطانه ایشان همواره مایه خیر بود. چنین شیوه‌ای شخص را از مسئولیت هرگونه اشتباهی مصون می‌دارد؛ اما این بدین معناییست که ایشان رأی را درست نمی‌دانست و صرفاً به جهت اختیار گذشتگان، آن را می‌پذیرفت. به‌طور مثال ایشان بسان اکثر فقها شهادت زن را نصف شهادت مرد می‌دانست، اما در بحث حدود برخلاف دیدگاه بیشتر علما که بر عدم پذیرش شهادت زن توافق دارند، نظر ایشان بر پذیرش شهادت زن در حدود بود.